



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عَلَّمَ الْقُرْآنَ
عَلَّمَ الْقُرْآنَ

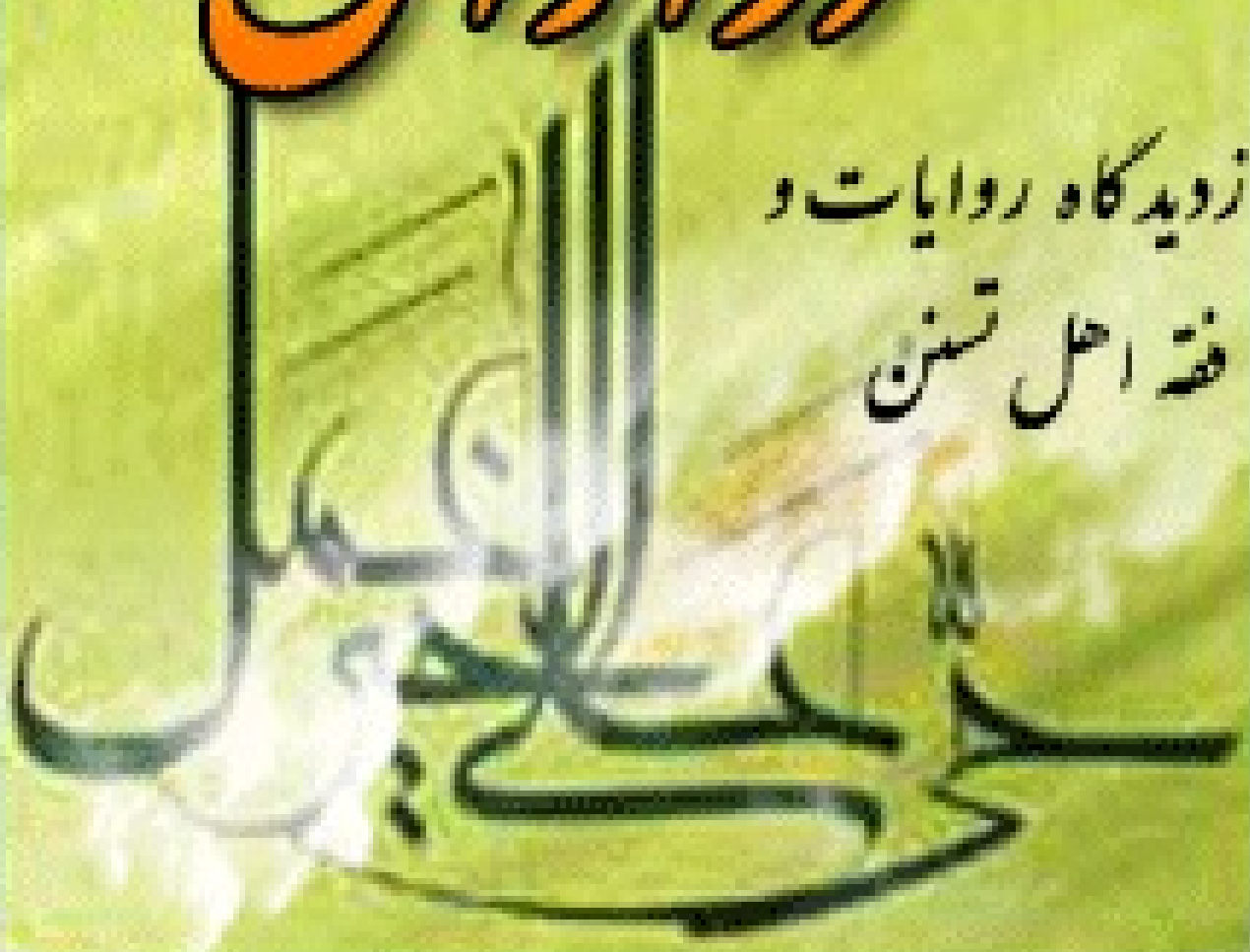
WWW. **Ghaemiyeh** .com
WWW. **Ghaemiyeh** .org
WWW. **Ghaemiyeh** .net
WWW. **Ghaemiyeh** .ir

سخت و پرمهرت

در اذان

از دیدگاه روایات و

فقه اهل تسنن



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سنت و بدعت در اذان از دیدگاه روایات و فقه اهل تسنن

نویسنده:

محمد رضا مدرسی یزدی

ناشر چاپی:

موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (علیهم السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	سنت و بدعت در اذان از دیدگاه روایات و فقه اهل تسنن
۶	مشخصات کتاب
۶	قسمت اول
۱۸	قسمت دوم
۲۷	قسمت سوم
۳۳	درباره مرکز

نویسنده: سید محمد رضا مدرسی یزدی

ناشر: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع)

قسمت اول

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و صحبه المنتجبین اذان اذان در لغت به معنی اعلام است ، خداوند متعال می فرماید : و اذان من الله و رسوله (۱) و شرعا اسم برای الفاظ مخصوص معهود می باشد . و ما در این رساله چند موضوع را درباره اذان ، به اختصار بر اساس مدارک اهل سنت بیان می کنیم ؛ به امید آنکه آنان را که به سخن احسن گوش فرا می دهند و تابع دلیلند و نه فرزند تقلید ، مفید افتد ، و برخی شبهات که ناشی از عدم توجه کافی به منابع احادیث و روایات است به حول و قوه الهی زایل شود ، و موجب انسجام و اتحاد بیشتر مسلمانان گردد . و کمترین فائده این رساله آن است که برادران اهل تسنن پی می برند که آنچه را برادران شیعه آنان در مورد اذان می گویند روایات زیادی از طریق اهل تسنن آن را تأیید می کند و بزرگانی از فقها و روایات اهل سنت به آن اعتراف دارند .

پاورقی

۱ - سوره توبه ، آیه ۳ .

صفحه ۳

آغاز تشریح اذان فقهاء امامیه به تبع اهل بیت (علیهم السلام) همگی معتقدند که اذان به تشریح خداوند و با نزول وحی بر قلب مبارک رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) شروع شده است ، و در این مورد روایات متعددی از اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده که به برخی از آنها اشاره می شود : ۱ - کلینی در کافی چنین روایت می کند : علی بن ابراهیم

عن أبيه عن ابن أبي عمير عن عمر بن اذينة عن زراره او الفضيل عن أبي جعفر (عليه السلام) : قال : لما أسرى برسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) الى السماء فبلغ البيت المعمور و حضرت الصلاة فأذن جبرئيل وأقام فتقدم رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) وصف الملائكة و النبيون خلف محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) (١) ونيز : على بن ابراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن حماد عن منصور بن حازم عن ابي عبد الله قال : لما هبط جبرئيل (عليه السلام) بالاذان على رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) كان رأسه في حجر علي (عليه السلام) فأذن جبرئيل (عليه السلام) وأقام فلما إنتبه رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) قال : يا علي سمعت ؟ قال : نعم قال : حفظت ؟ قال : نعم قال : أدع بلالا فعلمه فدعا علي (عليه السلام) بلالا فعلمه . (٢) البته اين دو روایت ناظر به دو مرتبه از اذان گفتن جبرئیل می باشد : که یکی در عالم معراج و دیگری برای تشریح و ابلاغ آن و دارای مرتبه بودن و بلکه حتی دو مرتبه نازل شدن وحی امری شناخته شده است . اما در میان اهل تسنن - به طور کلی صرفنظر از خصوصیات - می توان گفت دو رأی موجود است : ١ - مبدأ اذان وحی است .

پاورقی

١ - باب بدء الاذان والاقامه وفضلها و ثوابهما ح ١ و ٢ .

۲ - مبدأ اذان رؤیا است . در المبسوط سرخسی آمده است (۱) : ابو حفص محمد بن علی منکر بود که مبدأ اذان رؤیا باشد و می گفت : شما یکی از معالم و نشانه های دین را هدف قرار داده اید و می گویند با رؤیا ثابت شده است . هرگز ! ولکن پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) وقتی به مسجد الاقصی برده شد و پیامبران را گرد او جمع کردند فرشته ای اذان و اقامه گفت و پیامبر با آنان نماز گزارد . و گفته شده است : جبرئیل علیه الصلاه والسلام اذان را فرو آورد . در عمده القاری شرح صحیح بخاری ج ۵ ص ۱۰۷ می گوید : زمخشری از بعضی نقل نموده است که اذان به وحی بوده است ، نه رؤیا . در البحر الرائق ج ۱ ، ص ۲۶۸ می گوید : و سببه (ای الاذان) الابتدائی اذان جبرئیل (علیه السلام) ليله الاسراء واقامته حسین صلی النبی (صلی الله علیه و آله وسلم) اماما بالملائکه وارواح الانبياء ثم رؤیا عبد الله بن زید . روایات متعدده ای که بزرگان اهل سنت نقل نموده اند این معنی را که مبدأ اذان وحی بوده است نه رؤیا ، تأیید می کند ، از آن جمله : ۱ - عن ابن عمر قال : لما أسرى بالنبي صلی الله علیه و آله وسلم أوحى الله إليه الاذان فنزل به فعلمه بالالا . (۲) چنانکه ملاحظه می کنید این روایت مبدأ اذان را وحی و در ليله الاسراء می داند و

هیچ ربطی به قضیه رؤیا ندارد زیرا قضیه رؤیا را آنان که نقل می کنند مربوط به مدینه می دانند و مدت‌ها پس از هجرت واستحکام امر اسلام و تشریح نماز و روزه و زکات و اقامه حدود و خلاصه تحقق حلال و حرام (۳) در حالی که اسراء قبل از هجرت و از مسجد

پاورقی

۱ - ج ۱ ، ص ۱۲۸ .

۲ - فتح الباری ، ج ۲ ، ص ۱۰۰ ، ط ۱۴۱۰ ، دارالکتب العلمیه . و قریب به همین را متقی هندی از طبرانی از ابن عمر نقل می کند . کنز العمال ، ج ۸ ، ص ۳۲۹ ، ش ۲۳۱۳۸ .

۳ - سیره ابن هشام ، ج ۲ ، ص ۱۵۴ .

صفحه ۵

الحرام واقع شده بود . و این روایت و نظائر آن دلالت می کند اذان سالها قبل از هجرت تشریح شده بوده است ؛ چنانکه ابن حجر عسقلانی در شرح خود بر صحیح بخاری ، و حلبی در سیره خود (۱) ، اعتراف به چنین دلالتی می کنند و می گویند : احادیثی وارد شده است دال بر آن که : اذان در مکه قبل از هجرت تشریح شده بود . فقط تنها ایرادی که ابن حجر نسبت به روایت مذکور اظهار می کند : وقوع طلحه بن زید در سند حدیث است که درباره او می گوید : وهو متروک ولی اگر کسی دقت در احادیث رؤیا بکند می بیند - کما اینکه بررسی آن خواهد آمد - در اسانید آنها کسانی واقع شده اند که اگر طلحه بن زید بر آنها راجح نباشد دست کم تفاوتی با آنها ندارد و از اینجا است که روشن

می شود دلیلی بر ترجیح روایات رؤیا نیست . ۲ - عن انس : إن جبرئیل أمر النبی (صلی الله علیه وآله) بالاذان حین فرضت الصلاة . (۲) وما می دانیم که نماز از همان ابتدای بعثت تشریح شده بود و پس تشریح اذان ربطی به رؤیا ندارد . ۳ - عن عائشه : لما أسرى بی أذن جبرئیل فظنت الملائکه أنه یصلی بهم فقدمنی فصلیت . (۳) للبزاز وغيره من حدیث علی : لما أراد الله أن یعلم رسوله الاذان أتاه جبریل بدابه یقال لها البراق فرکیها . . . و فیہ : إذ خرج ملک من وراء الحجاب فقال : الله أكبر الله أكبر . و فی آخره : ثم أخذ الملك بیده فأمر باهل السماء . (۴) ابن حجر بعد از نقل حدیث می گوید : زیاد بن منذر ابوالجارود در سند واقع شده است ، و او متروک است . اقول : ابوالجارود مورد اختلاف است ولی قطعاً ضعیف تر از آنهایی که در احادیث رؤیا واقع شده اند نیست و بنابراین وجهی برای ترجیح روایات رؤیا بر این روایات نمی باشد . ۴ - عن سفیان اللیل قال : لما کان من الحسن بن علی ما کان ، قدمت علیه المدینه قال : فقد ذکرنا عندہ الاذان فقال بعضنا : إنما کان بدء الاذان برؤیا عبد الله بن زید . فقال له الحسن بن علی : إن شأن الاذان اعظم من ذلك ، أذن جبرئیل فی السماء مثنی وعلم رسول الله وأقام مره مره فعلمه رسول الله . (۱) ۵ - عن هارون بن سعد

عن الشهيد زيد بن الامام على بن الحسين عن آبائه عن على : إن رسول الله (صلى الله عليه وآله) علم الاذان ليلاه اسرى به وفرضت عليه الصلاه . (٢) ٦ - عن ابي العلاء قال : قلت لمحمد بن الحنفية : إنا لنتحدث أن بدء الاذان كان من رؤيا رءاها رجل من الانصار فى منامه . قال : ففزع لذلك محمد بن الحنفية فزعا شديدا وقال : عمدتم ألى ما هو الاصل فى شرائع الاسلام ومعالم دينكم ، فزعمتم أنه كان من رؤيا رءاها رجل من الانصار فى منامه يحتمل الصدق والكذب وقد تكون اصغاث احلام قال : فقلت له : هذا الحديث قد استفاض فى الناس : قال : هذا والله الباطل (٣) ٧ - ويظهر مما رواه عبد الرزاق عن ابن جريح : قال عطاء : إن الاذان كان بوحي من الله سبحانه . (٤)

پاورقى

١ - سيره حلبى ، ج ٢ ، ص ٢٩٦ ، باب بدء الاذان ومشروعيته به نقل از الاعتصام بالكتاب والسنة .

٢ - فتح البارى ، ج ٢ ، ص ١٠٠ .

٣ - فتح البارى ، ج ٢ ، ص ١٠٠ .

٤ - فتح البارى ، ج ٢ ، ص ١٠٠ .

صفحه ٦

پاورقى

١ - المستدرک ، ج ٣ ، ص ١٧١ ، كتاب معرفه الصحابه .

٢ - اخرج الطحاوى فى مشكل الاثار ، وابن مردويه فيما نقله الهندى ، ص ٢٧٧ ، من الجزء السادس من كنز العمال و هو الحديث ٣٩٧ من احاديث الكنز ، به نقل از النص والاجتهاد ، ص ٢٠٥ .

٣ - السيره

الحلیه ، ج ۲ ، ص ۲۹۷ به نقل از الاعتصام ، ص ۲۹ .

۴ - المصنف ، ج ۱ ، ص ۴۵۶ ، ش ۱۷۷۵ ، به نقل از الاعتصام ، ص ۳۰ .

صفحه ۷

در مقابل این روایات ، روایاتی نقل شده است که مبدأ تشریح اذان را به رؤیای مردی از انصار به نام عبد الله بن زید نسبت می دهند که ترمذی در باره او می گوید : ولا نعرف له عن النبي (صلی الله علیه وآله) شیئا یصح ألا هذا الحدیث الواحد فی الاذان . همچنین ترمذی از بخاری نقل می کند : لا نعرف له الا حدیث الاذان . (۱) اما این روایات را شیخین در صحیحین نقل نکرده اند و حتی حاکم این روایات را در مستدرک نیز نیاورده است . و این بر ما معلوم می کند که این روایات فاقد شرط شیخین به تمام معنی بوده اند . حاکم می گوید : عبد الله بن زید هو الذی أری الاذان ، الذی تداوله فقهاء الاسلام بالقبول ولم یخرج فی الصحیحین لاختلاف الناقلین فی أسانیده . (۲) و اما کتب دیگری که این روایات در آنها نقل شده است ، اسناد همه مورد خدشه قرار گرفته است و ما در اینجا یکی از آن روایات را که ادعا شده است صحیحترین آنها می باشد نقل کرده و رجال سند آن را مورد بررسی قرار می دهیم : حدثنا محمد بن منصور الطوسی ، ثنا یعقوب ثنا بی عن محمد بن اسحاق حدثنی محمد بن ابراهیم بن الحارث التیمی عن محمد بن عبد الله بن زید بن عبد

الا الله ، اشهد أن محمدا رسول الله ، حي على الصلاة ، حي على الفلاح ، قد قامت الصلاة ، قد قامت الصلاة ، الله اكبر ، الله اكبر ، لا اله الا الله . فلما أصبحت أتيت رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) فأخبرته بما رأيت ، فقال : إنها لرؤيا حق إن شاء الله ، فقم مع بلال فالتق عليه ما رأيت فليؤذن به ، فإنه أندى صوتا منك فقمتم مع بلال فجعلت ألقيه عليه ويؤذن به . قال : فسمع ذلك عمر بن الخطاب وهو في بيته فخرج يحرردائه ويقول : والذي بعثك بالحق يا رسول الله لقد رأيت مثل ما رأى . فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فله الحمد . بيهقى به سند خود از محمد بن يحيى نقل می کند که در اخبار عبد الله بن زيد در قصه اذان خبری اصح از این روایت یعنی حدیث محمد بن اسحق از محمد بن ابراهیم التیمی از محمد بن عبد الله بن زيد نیست / چون محمد از پدرش شنیده است . اکنون به بررسی سند این روایت می پردازیم وسخن را از محمد بن اسحق شروع می کنم که در این تصحیح ، طریق او نام برده شده است . دارقطنی درباره او می گوید : اختلف الائمة فيه وليس بحجه إنما يعتبر به . وبه نقل های متعدد تضعیف او از احمد بن حنبل نقل شده است : قال ابو داود وسمعت احمد ذكر محمد بن اسحاق ، فقال : كان رجلا يشتهي الحديث فيأخذ كتب الناس فيضعها في كتبه . قال المروزي قال

فكان لا يبالي عمن يحكى عن الكلبي وغيره . قال حنبل بن اسحاق : سمعت ابا عبد الله يقول : ابن اسحاق ليس بحجه . وقال عبد الله بن احمد : ما رأيت ابي اتقن حديثه قط ، وكان يتبعه بالعلو والنزول . قيل له يحتج به ؟ قال : لم يكن يحتج به في السنن . قال ايوب بن اسحاق سامري : سألت احمد اذا انفرد ابن اسحاق بحديث تقبله ؟ قال : لا والله ، أنى رأيت يحدث عن جماعه بالحديث الواحد ولا يفصل كلام ذا من كلام ذا . وقال الميموني عن ابن معين : ضعيف . وقال النسائي : ليس بالقوى . (۱)

این در مورد محمد بن اسحق واما محمد بن ابراهيم بن الحارث التيمي که مروی عنه ابن اسحاق می باشد نیز مورد خدشه قرار گرفته است : قال العقيلي عن عبد الله بن احمد عن ابيه في حديثه شيء ، يروي احاديث مناكير او منكره . (۲) وانگهی سند به عبد الله بن زيد می رسد که سخن ترمذی و دیگران را درباره او شنیدی . این از نظر رجال سند ، واما از جهات دیگر وهمچنین بررسی روایات دیگر را در این مورد به کتاب النص والاجتهاد مورد ۲۳ و کتاب الاعتصام بالكتاب والسنة بحث الثویب فی أذان صلاة الفجر و کتاب تذکره الفقهاء ج ۳ ، ص ۳۸ و ۳۹ ارجاع می دهیم ؛ و در ادامه به بحث درباره فصول اذان واقامه می پردازیم .

پاورقی

نقلها كلها ابن حجر في تهذيب التهذيب ج ٩، ص ٤٣ و ٤٤ .

٢ - تهذيب التهذيب ، ج ٩ ، ص ٦ .

صفحه ١٠

فصول اذان واقامه در میان فقهاء اهل تسنن در مورد فصول اذان واقامه اختلاف زیادی است . ابن رشد می گوید : اختلف العلماء فی الاذان علی اربع صفات مشهوره وبعد از برشمردن این چهار روش می گوید : والسبب فی اختلاف کل واحد من هؤلاء الاربع فرق ، اختلاف الاثار فی ذلك و اختلاف اتصال العمل عند کل واحد منهم . ولی مهمترین اختلافی که میان فقهاء اهل تشیع و اهل تسنن وجود دارد این است که آیا حی علی خیرالعمل جزء فصول اذان واقامه است یا نه ؟ وهمچنین آیا تنویب در اذان مشروع می باشد یا نه ؟ سخن در حی علی خیرالعمل اما نسبت به حی علی خیرالعمل علاوه بر روایات متعددی که از طریق اهل بیت (علیهم السلام) در مورد آن وارد شده که آن را جزء اذان واقامه می داند ، از طریق اهل تسنن نیز روایاتی وارد شده است و حتی بیهقی در سنن الکبری ، بابی را گشوده است تحت عنوان باب ما روی فی حی علی خیر العمل وما تعدادی از آنها را از السنن الکبری و غیر آن ذکر می کنیم و سپس تصریح برخی از دانشمندان اهل تسنن را درباره صحت آنها خواهیم آورد . ان شاء الله .

١ - اخبرنا ابو عبد الله الحافظ وابوسعید بن ابی عمرو قالوا ثنا ابوالعباس محمد بن یعقوب ثنا یحیی بن ابی طالب ثنا عبد الوهاب بن عطاء ثنا مالک بن أنس عن نافع

كان ابن عمر يكبر في النداء ثلاثا ويشهد ثلاثا وكان احيانا اذا قال : حي على الفلاح ، قال على إثرها : حي على خير العمل .

صفحه ۱۱

سند این خبر در موطأ مالک به روایت محمد بن الحسن الشیبانی تعلیق و تحقیق عبد الوهاب عبداللطیف چاپ دوم ص ۵۵ چنین است : أخبرنا مالک أخبرنا نافع عن ابن عمر : أنه آیا با موازین رایج در میان برادران اهل تسنن چه کسی می تواند در این سند خدشه کند ؟ قال البخاری : اصح الاسانید كلها : مالک عن نافع عن ابن عمر . نقله الحاكم مسندا عن محمد بن اسماعيل البخاری (۱) ونقله ابن حجر فی ترجمه نافع من تهذيب التهذيب .

۲ - أخبرنا ابو عبد الله الحافظ انا ابوبكر بن اسحاق ثنا بشر بن موسى ثنا موسى بن داود ثنا ليث بن سعيد عن نافع قال : كان ابن عمر لا يؤذن في سفر وكان يقول : حي على الفلاح ، وأحيانا يقول : حي على خير العمل . ورواه محمد بن سيرين عن ابن عمر : أنه كان يقول ذلك في أذانه . وكذلك رواه نسير بن ذعلوق عن ابن عمر وقال : في السفر وروى ذلك عن ابي أمامه . ابن حزم در محلی ، ج ۳ ، ص ۱۶۰ می گوید : وقد صح عن ابن عمرو ابي امامه بن سهل بن حنيف : أنهم كانوا يقولون في اذانهم حي على خير العمل . . . فهو عنه ای عن ابن عمر ثابت باصح اسناد .

۳ - أخبرنا محمد بن عبد الله الحافظ انا ابوبكر بن

اسحق ثنا بشر بن موسى ثنا موسى بن داود ثنا حاتم بن اسمعيل عن جعفر بن محمد عن ابيه : إن علي بن الحسين كان يقول في أذانه إذا قال حي علي الفلاح قال : حي علي خير العمل ، ويقول : هو الاذان الاول . (٢)

پاورقی

١ - معرفه علوم الحديث ، ص ٥٣ ، وان كان الحاكم نفسه وغيره لم يرتض هذا الكلام . فراجع . ٢ - السنن الكبرى ، ج ١ ، ص ٤٢٤ و ٤٢٥ .

صفحه ١٢

قسمت دوم

حلبی نیز در سیره در باب بدء اذان ومشروعیت آن می گوید : ابن عمر (رض) والامام زین العابدین علی بن الحسین (علیهما السلام) بعد از حی علی الفلاح ، حی علی خیر العمل می گفتند . (١)

٤ - عبد الرزاق عن معمر عن يحيى ابن ابي كثير عن رجل : أن ابن عمر كان اذا قال في الاذان حي علي الفلاح قال : حي علي العمل ثم يقول : الله اكبر الله اكبر لا اله الا الله . (٢) ومحقق كتاب در ذیل صفحه چنین آورده است : رواه ابن ابي شيبه عن طريق ابن عجلان وعبيدالله عن نافع عن ابن عمر ١ : ١٤٥ . روات طريق ابن ابي شيبه همه از نظر علمای اهل تسنن دارای توثیق معتبر می باشند . (٣)

٥ - عن بلال : أنه كان يؤذن للصبح فيقول حي علي خير العمل فأمر رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم أن يجعل مكانها الصلاة خير من النوم ويترك حي علي خير العمل . (٤) تنها ایرادی که مجمع

الزوائد بر سند این حدیث وارد کرده است وجود عبد الرحمن بن عمار بن سعد است . ولی با رجوع به کتب رجال ثابت می شود کسی به طور قاطع او را تضعیف نکرده ، و در مقابل ابن حبان او را در ثقات ذکر نموده است . جالب آن است که با وجود این روایات صحیحه که در معتبرترین کتب اهل تسنن ضبط است ، ابن تیمیه می گوید : حی علی خیر العمل از زیاده روافض می باشد . (۵) ونووی در المجموع حکم به کراهت آن نموده است . مهمترین اشکالی که برخی در مورد حی علی خیر العمل نموده اند آن است که فعل ابن عمرو ابی امامه که دو صحابی هستند حجت نیست ، و این اخبار منقطع است . ولی ، اولاً : عده ای سنت و قول صحابی را حجت می دانند چنانکه از ابوحنیفه نقل شده است : ما جاء ناعن الصحابه اتبعناهم ، وما جاءنا عن التابعین زاحمناهم ؛ (۱) و نیز سرخسی در اصول خود می گوید : لا خلاف بین اصحابنا المتقدمین والمتأخرین أن قول الواحد من الصحابه حجه فیما لا مدخل للقیاس فی معرفه الحکم به . (۲) و شبهه ای نیست که قیاس در گفتن حی علی خیر العمل راه ندارد .

پاورقی

۱ - ج ۲ ، ص ۱۱۰ به نقل النص والاجتهاد ، ص ۲۰۷ .

۲ - المصنف ، ج ۱ ، ص ۴۶۰ ، ش ۱۷۸۶ ، و مسلماً مراد حی علی خیر العمل است و گرنه حی علی العمل را کسی احتمال نداده است جزء اذان باشد .

۳ - در احوال هر یک رجوع

شود به تهذیب التهذیب .

۴ - مجمع الزوائد ، ج ۱ ، ص ۳۳۰ .

۵ - به نقل از تعلیق بر وطأ ص ۵۵ ، ش ۹۲ .

صفحه ۱۳

وثانیا: در برخی روایات که نقل شد و غیر آن فقره حی علی خیر العمل به زمان حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) و تقریر آن بزرگوار نسبت داده شده است (۳) نهایت آنکه در آنها آمده است حضرت سپس دستور دادند حی علی خیر العمل را در نماز صبح تبدیل کنند به الصلاه خیر من النوم و این ذیل ضرر نمی زند ، زیرا این تبدیل چنانکه نص روایت است ،

پاورقی

۱ - اصول السرخسی ، ج ۱ ، ص ۳۱۳ .

۲ - اصول السرخسی ، ج ۲ ، ص ۱۱۰ .

۳ - قوشجی متکلم بزرگ اهل تسنن نیز از قول خود عمر نقل می کند که حی علی خیر العمل در عهد پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بوده است . او می گوید عمر در حالی که بالای منبر بود گفت : ثلاث کن علی عهد رسول الله (صلی الله علیه وآله) وأنا أنهی عنهن واحرمهن ، و اعاقب علیهن : متعه النساء و متعه الحج و حی علی خیر العمل . سپس قوشجی می گوید : أن ذلك مما لا یوجب قدحاً فیہ فأن مخالفه المجتهد لغيره فی المسائل الاجتهادیه لیس ببدع . شرح تجرید قوشجی ، ص ۴۰۸ . و از ابن عباس نقل شده است . فلسفه آنکه حی علی خیر العمل را خلیفه ثانی دستور به حذف آن داد برای آن بود که مبادا مردم جهاد را رها کنند و بگویند اگر نماز

بهترین اعمال است - که هر روز چندین مرتبه در اذان واقامه در گوش ما بدان ندا داده می شود - پس چرا آن را ترک کنیم و به جهاد روی بیاوریم ، بنابراین برای آنکه مسلمانان دچار چنین رختی نسبت به جهاد نشوند خلیفه ثانی نهی کرد از آنکه حی علی خیر العمل گفته شود و به جای آن امر به گفتن الصلاه خیر من النوم نمود . ولی در واقع این که نماز بهترین اعمال است حتی در روایات مستقل که ربطی به اذان هم ندارد آمده است ، و شارع به فلسفه احکام خود آگاه تر است . بیهقی در سنن خود بابی را گشوده است تحت عنوان : باب خیر اعمالکم الصلاه و از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) چنین روایت می کند : قال رسول الله : ... واعلوا ان خیر اعمالکم الصلاه . . . السنن الکبری ، ج ۱ ، ص ۴۵۷ .

صفحه ۱۴

مربوط به اذان صبح می باشد و بنابراین بقیه اذان ها باید دارای حی علی خیر العمل باشد به نص این روایات . علاوه این ذیل معارض است با روایاتی که تثویب را در اذان نفی می کند و دلالت می کند قول الصلاه خیر من النوم زیاده ای است که بعد از رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) افزوده شده است . احتمال نسخ نیز منتفی است زیرا اگر منسوخ شده بوده قطعاً ابن عمرو ابی امامه و دیگران از آن با خبر بودند و با منسوخ شدن دیگر معنی نداشت ابن عمرو ابی امامه و غیر این دو حی علی خیر العمل را

در اذان خود ذکر کنند . وانگهی کسی ظاهرا این احتمال را ذکر نکرده است . وثالثا : روایات از طریق اهل بیت (علیهم السلام) بیان می کنند که حی علی خیر العمل جزء فصول اصلی اذان است در همه اوقات و از طریق وحی بر قلب نازنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نازل شده است . (۱) سخن در تثویب مسأله دومی که مورد اختلاف بین فقهاء شیعه و فقهاء سنی می باشد تثویب است و بلکه بین خود فقهاء اهل تسنن نیز اختلاف است آنچنان که بیان آن خواهد آمد . اما مقصود از تثویب چیست ؟ قالوا : التثویب من ثاب یثوب : اذا رجع فهو بمعنی الرجوع الی الامر بالمبادره الی الصلاه ، فان المؤذن اذا قال : حی علی الصلاه فقد دعاهم الیها ، فاذا قال : الصلاه خیر من النوم فقد رجع الی کلام معناه المبادره الیها . وعن القاموس أنه فسرہ بمعان منها : الدعاء الی الصلاه ، وتثنيه الدعاء ، وان یقول فی اذان الفجر الصلاه خیر من النوم مرتین .

پاورقی

۱ - رجوع شود به جامع احادیث الشیعه ، کتاب الصلاه ، باب ۱۷ عدد فصول الاذان والاقامه وکیفیتها وعللها .

صفحه ۱۵

وعن المغرب : التثویب القديم هو قول المؤذن فی اذان الصبح : الصلاه خیر من النوم مرتین والمحدث الصلاه ، الصلاه او قامت ، قامت ومن معانی التي ذکروا للتثویب هو ان یقال بین الاذان والاقامه : حی علی الصلاه مرتین ، حی علی الفلاح مرتین . (۱) به هر حال تثویب به هر معنی باشد

جزء اذان واقامه نیست ، و چیزی است که بعدا به آن اضافه شده است / ولی چون مشهور در معنی تثویب همان گفتن الصلاه خیر من النوم می باشد بحث خود را عمدتا بر روی آن متمرکز می کنیم . ابن رشد در بدایه المجتهد درباره خلافتی بودن مسأله اینچنین می گوید : اختلفوا فی قول المؤذن فی صلاه الصبح الصلاه خیر من النوم هل یقال فیها ام لا ؟ فذهب الجمهور الی أنه یقال ذلك فیها . وقال آخرون : أنه لا یقال لانه لیس من الاذان المسنون ، وبه قال الشافعی . وسبب اختلافهم اختلافهم هل قیل ذلك فی زمان النبی صلی الله علیه وآله وسلم ؟ او انما قیل فی زمان عمر ؟ (۲) ودر مهذب می گوید : وان کان فی اذان الصبح زاد فیہ التثویب وهو ان یقول بعد الحیعلہ الصلاه خیر من النوم مرتین وکره ذلك فی الجدید . (۳) ودر المجموع می گوید : ولم یقل ابوحنیفه بالتثویب علی هذا الوجه . (۴) ودر شرح کبیر می گوید : به ای التثویب المشهور قال ابن عمر والحسن ومالك والثوری واسحاق و الشافعی فی الصحیح عنه ، وقال ابوحنیفه : التثویب بین الاذان والاقامه فی الفجر ان یقول

پاورقی

۱ - المبسوط ، ج ۱ ، ص ۱۳۰ ، المغنی ج ۱ ، ص ۴۲۰ ، الشرح الکبیر ، ج ۱ ، ص ۳۹۹ .

۲ - بدایه المجتهد ، ج ۱ ، ص ۱۰۶ .

۳ - المجموع ، ج ۳ ، ص ۹۹ .

۴ - المجموع ، ج ۳ ، ص ۱۰۲ .

صفحه ۱۶

حی علی

الصلاه مرتين حى على الفلاح مرتين . (١) وقریب به این در المغنی آمده است . (٢) ودر هر دو کتاب به نفع تثویب به حدیث ابومحذوره استدلال می شود ، که در آن آمده است : فان كان صلاه الصبح قلت : الصلاه خیر من النوم ، الصلاه خیر من النوم الله اكبر الله اكبر لا اله الا الله . هم چنین در اینجا به این نکته باید توجه شود که بعضی تصریح کرده اند تثویب امری خارج از اذان است . سرخسی بعد از نقل روایتی در المبسوط می گوید : فهذا دليل على أن التثويب بعد الاذان . (٣) وبعدها از چند سطر در شرح فاحث الناس هذا التثويب می گوید : اشاره الى تثويب اهل الكوفه فأنهم الحقوا الصلاه خیر من النوم بالاذان ، وجعلوا التثويب بين الاذان و الاقامه ، حى على الصلاه مرتين ، حى على الفلاح مرتين . (٤) بعد از روشن شدن اختلاف های فقهاء اهل تسنن در تثویب می گوئیم : حق آن است که تثویب حتی الصلاه خیر من النوم جزء اذان نیست و ذکر آن نیز بین اذان و اقامه استحبابی ندارد ووحی درباره آن نازل نشده ورسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) بدان دستور نداده است بلکه امری است که بعد از حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم) به سلیقه بعضی از اصحاب وارد در اذان شده است و بر این مطلب شواهد معتبر موجود است :

١ - امام مالک در موطأ می گوید : بلغنا أن عمر بن الخطاب جاءه المؤذن

۱ - المغنی والشرح الكبير ، ج ۱ ، ص ۳۹۹ .

۲ - المغنی ، ص ۴۲۰ .

۳ - المبسوط ، ج ۱ ، ص ۱۳۰ .

۴ - المبسوط ، ج ۱ ، ص ۱۳۰ .

صفحه ۱۷

المؤذن : الصلاه خير من النوم ، فأمر عمر أن يجعلها في نداء الصبح . (۱) چنانکه در این روایت به صراحت بیان شده است سخن الصلاه خير من النوم چیزی بوده است که به امر عمر اضافه شده است ، بدین جهت ربطی به اذان ندارد . لهذا محمد بن الحسن الشیبانی در خاتمه باب الاذان والتثویب از موطأ تصریح می کند الصلاه خير من النوم ربطی به نداء یعنی اذان ندارد . نص عبارت چنین است : قال محمد : الصلاه خير من النوم يكون ذلك في نداء الصبح بعد الفراغ من النداء ولا يجب أن يزداد في النداء ما لم يكن منه . (۲) سیوطی در تنویر الحوالک در تبیین سند این حدیث چنین می گوید : الاثر الذي ذكره مالك عن عمر اخرجہ الدارقطنی فی سننه من طریق وكيع في مصنفه عن العمري عن نافع عن ابن عمر عن عمر . وعن سفیان عن محمد بن عجلان عن نافع عن ابن عمر عن عمر أنه قال لمؤذنه : إذا بلغت حي على الفلاح في الفجر فقل : الصلاه خير من النوم ، الصلاه خير من النوم . (۳) زرقانی نیز در تعلیقه همین مطلب را نقل می کند . (۴) رجال هر دو سند دارای توثیقای معتبر از طریق رجالیون بزرگ

اهل تسنن می باشند ودر مجموع جای هیچگونه خدشه ای در سند از طرف علمای اهل تسنن نمی باشد . (۵) ۲ - شوکانی درباره الصلاه خیر من النوم از البحر الزخار چنین نقل می کند : أحدثه عمر ؓ فقال ابنه : هذه بدعه . وعن علي (عليه السلام) حين سمعه : لاتزيدوا في الاذان ما ليس منه ، ثم قال بعد ذكر حديث ابي محذوره وبلال قلنا : لو كان لما انكره علي وابن عمر وطاوس ؓ سلمنا فامرنا به اشعارا به في حال لا شرعا ، جمعا بين الاثار . (۱)

پاورقی

۱ - الموطأ ، ص ۵۵ ، ط دوم ، تحقیق عبد الوهاب عبداللطیف .

۲ - الموطأ ، ص ۵۵ ط دوم تحقیق عبد الوهاب عبداللطیف .

۳ - تنوير الحوالک ج ۱ ، ص ۹۳ .

۴ - التعليقه ، ج ۱ ، ص ۲۵ به نقل از النص والاجتهاد .

۵ - درباره احوال هر يك رجوع شود به تهذيب التهذيب .

صفحه ۱۸

۳ - ما روى عن ابي حنيفه كما في جامع المسانيد عنه عن حماد عن ابراهيم قال : سألته عن التثويب ؟ فقال : هو مما أحدثه الناس وهو حسن ، مما أحدثوه . وذكر أن تثويهم كان حين يفرغ المؤذن من اذانه : إن الصلاه خير من النوم - مرتين - قال : اخرج الامام محمد بن الحسن (الشيباني) في الاثار فرواه عن أبي حنيفه ثم قال محمد : وهو قول ابي حنيفه - رضی الله عنه - وبه نأخذ . (۲) ۴ - عن ابن عيينه عن ليث عن مجاهد

قال : كنت مع ابن عمر فسمع رجلا يثوب في المسجد فقال : اخرج بنا من (عند) هذا المبتدع . (٣) البته ابوداود قضيه را از مجاهد نسبت به نماز ظهر يا عصر نقل می کند . (٤)

٥ - عن ابن جريح اخبرني عمرو بن حفص : أن سعدا (المؤذن) اول من قال : الصلاه خير من النوم في خلافه عمر فقال عمر : بدعه . ثم تركه وأن بلابلا لم يؤذن لعمر . (٥)

٦ - عن ابن جريح اخبرني حسن بن مسلم أن رجلا- سأل طاوسا : متى قيل : الصلاه خير من النوم ؟ فقال : اما أنها لم تقل على عهد رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم و لكن بلابلا- سمعها في زمان ابى بكر بعد وفاه رسول الله يقولها رجل غير مؤذن ، فأخذها منه ، فأذن بها علم يمكث ابوبكر الا قليلا حتى اذا كان عمر قال : لو نهينا بلابلا عن هذا الذي احدث وكأنه نسيه ، وأذن بها الناس حتى اليوم . (٦) اين دو روايت گرچه در بخشى از مضمون خود با دو روايت اول و دوم اختلاف دارد

قسمت سوم

پاورقى

١ - نيل الاوطار ج ٢ ص ٤٣ .

٢ - جامع المسانيد ، ج ١ ، ص ٢٩٦ ، به نقل از الاعتصام .

٣ - المصنف ، ج ١ ، ص ٤٧٥ .

٤ - سنن ابى داود ، ج ١ ، ص ١٤٨ . ٥ و ٣ - كترالعمال ، ج ٨ ، ص ٣٥٧ ، ش ٢٣٢٥٢ و ٢٣٢٥١ .

صفحه ١٩

اما در اصل مطلب كه

تثویب و سخن الصلاه خیر من النوم بعد از رسول اکرم ابداع شده است مشترک می باشند . و به هر حال در اثبات مطلب روایت مالک با سندهای دارقطنی و علاوه شهادت فقهاء معروف و بزرگ اهل تسنن کفایت می کند . و اما روایاتی که به آنها تمسک شده است در اثبات الصلاه خیر من النوم سندهای همه آنها مورد خدشه قرار گرفته است . عمده روایتی که قائلین به تثویب به آن تمسک کرده اند روایت ابوداود و نسائی از ابی محذوره است چنانکه در المغنی (۱) و الشرح الکبیر (۲) و المجموع (۳) و غیر اینها آمده است . و در سنن نسائی روایت چنین است : اخبرنا سويد بن نصر قال : انبأنا عبد الله ، عن سفیان عن ابی جعفر عن ابی سلمان عن ابی محذوره قال : كنت أؤذن لرسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وكنت أقول في اذان الفجر . حي على الفلاح ، الصلاه خیر من النوم ، الصلاه خیر من النوم ، الله اكبر ، الله اكبر ، لا اله الا الله . (۴) وفي سنن البيهقي : وروينا عن سفیان الثوري عن ابی جعفر عن ابی سليمان عن ابی محذوره ف جاء ابوسليمان بدل ابی سلمان ، ثم قال البيهقي : و ابوسليمان اسمه همام المؤذن . (۵) در این سند ابوسلمان یا ابی سليمان که اسمش همام مؤذن است واقع شده و او شخصی مجهول است و همه آنچه که ابن حجر درباره او آورده ، اینچنین است :

پاورقی

۱ - المغنی ، ج ۱ ، ص ۴۲۰ .

۲ - المغنی و الشرح الکبیر ، ج ۱ ،

۳- المجموع، ج ۳، ص ۹۹.

۴- سنن النسائي، ج ۲، ص ۱۳، باب الثوب في الاذان؛ نسائي با سند دیگری هم روایت را نقل می کند که باز به سفیان منتهی می شود.

۵- السنن الكبرى، ج ۱، ص ۴۲۲.

صفحه ۲۰

ابوسلمان المؤذن قيل اسمه همام . روى عن على و ابي محذوره وعنه ابو جعفر الفراء والعلاء بن صالح الكوفى . (۱) علاوه برخی معتقدند که ابوجعفر مذکور در سند نیز شخص مجهولی است نه ابوجعفر الفراء . چنانکه این مطلب را خود نسائی در سنن متذکر شده است . واما روایات ابوداود :

۱ - حدثنا مسدد ثنا الحرث بن عبيد عن محمد بن عبد الملك بن ابي محذوره عن ابيه عن جده قال : قلت : يا رسول الله علمنى سنه الاذان ، فذكر ، الى ان قال بعد قوله حى على الفلاح : فان كان صلاه الصبح قلت : الصلاه خير من النوم ، الصلاه خير من النوم ، الله اكبر ، الله اكبر ، لا-اله الا-الله (۲) . در این سند محمد بن عبد الملك واقع شده است که ابن حجر در باره او می گوید : قال ابن القطان : مجهول الحال لا-نعلم روى عنه الا-الحارث . و نیز ابن حجر از عبدالحق پس از ذکر روایت ثوری و حارث بن عبيد از محمد بن عبد الملك نقل می کند که : لا يحتج بهذا الاسناد . (۳) كما اینکه حارث بن عبيد نیز مورد مناقشه است . (۴)

حدثنا الحسن بن علي ثنا ابو عاصم و عبد الرزاق عن ابن جريح قال : اخبرني عثمان بن السائب ، اخبرني ابي وام عبد الملك بن ابي محذوره عن ابي محذوره عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم نحو هذا الخبر ، وفيه : الصلاة خير من النوم ، الصلاة خير من النوم في الاولى من الصبح . (٥) در اين روايت نيز عثمان بن سائب و پدرش واقع شده اند که شناخته شده نيستند و جز اين روايت ، روايت ديگري ندارند . (١) و نيز ام عبد الملك .

پاورقی

١ - تهذيب التهذيب ج ١٢ ، ص ١١٤ .

٢ - سنن ابي داود ، ج ١ ، ص ١٣٦ .

٣ - تهذيب التهذيب ، ج ٩ ، ص ٣١٧ .

٤ - تهذيب التهذيب ، ج ٢ ، ص ١٤٩ .

٥ - سنن ابي داود ، ج ١ ، ص ١٣٦ .

صفحه ٢١

٣ - حدثنا النفيلي ، ثنا ابراهيم بن اسماعيل بن عبد الملك بن ابي محذوره ، قال : سمعت جدي عبد الملك بن ابي محذوره . . . قال : وكان يقول في الفجر : الصلاة خير من النوم . (٢) در اين سند نيز ابراهيم بن اسماعيل بن عبد الملك قرار دارد که صريحا مورد تضعيف قرار گرفته است . (٣)

وانگهی فرضا اگر کسی اسناد روايات را ضعيف ندانست شکی نيست که باز هم نمی تواند به اين روايات عمل کند ، زیرا اين روايات معارض است به رواياتی که می گفت : الصلاة خير من النوم از فقراتی است که بعد از حضرت رسول (صلی الله

علیه و آله وسلم) به استحسان مردم به اذان اضافه شده است، و در بین آنها روایت صحیح نیز وجود داشت؛ و در نتیجه معارضه، هر دو دسته از روایات از حجیت ساقط می شود. و بنابراین دلیلی بر ثبوت تثویب در اذان یا استحباب آن در خارج از اذان نیست. تنبیه در آخر مبحث برای روشن شدن مطلب درباره شهادت به ولایت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) سخن محققانه ای را که شرف الدین در النص والاجتهاد آورده است: می آورم: اذان نزد ما امامیه هیچده فصل است: الله اکبر چهار دفعه، أشهد ان لا اله الا الله، اشهد ان محمدا رسول الله، حی علی الصلاه، حی علی الفلاح، حی علی خیر العمل، الله اکبر، لا اله الا الله، هر کدام دو دفعه. و فصول اقامه هفده تا است که همان فصول اذان می باشد که هر کدام دو مرتبه ذکر می شود مگر لا اله الا الله که یک دفعه ذکر می شود، و زیاد کرده می شود بعد از حیالات سه گانه قبل از تکبیر دو مرتبه قد قامت الصلاه. و مستحب است درود بر محمد و آل محمد بعد از نام حضرت (صلی الله علیه و آله وسلم)، همچنانکه مستحب است اكمال شهادتین به شهادت به ولایت و امیری مؤمنان برای علی (علیه السلام) در اذان و اقامه. و اشتباه کرده و سخنی شاذ گفته هر کس آن را تحریم کرده، و آن را بدعت شمرده است. مؤذنان در اسلام معمولا کلمه ای مقدم

بر اذان ذکر نموده و به آن می پیوندند مثل : (وقل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا . . .) تا آخر آیه یا نظیر آن ، و ملحق می کنند سخنی به اذان که به دنبال آن می آورند مثل (الصلاه والسلام علیک یا رسول الله) و یا نظیر آن . و مثل اینها از شارع در مورد اذان مأثور نیست و اینها بدعت نمی باشد و قطعاً حرام نیست ، به خاطر اینکه ، مؤذنین اینها را از فصول اذان نمی دانند و فقط آنها را بر اساس ادله عامه می آورند ؛ و اینچنین است شهادت برای علی (علیه السلام) بعد از شهادتین در اذان ، که بر اساس دلیل عام آن می باشد . و انگهی ، سخن کوتاه از کلام آدمی موجب بطلان اذان و اقامه نمی شود . و گفتن آن در اثناء اذان و اقامه حرام نیست . . . (۱) و خلاصه با توجه به آنکه ذکر علی (علیه السلام) عبادت است جای هیچ شبهه ای در رجحان ذکر حضرت مطلقاً و از آن جمله در اثناء اذان و اقامه باقی نمی ماند . متقی هندی در کنز العمال ، ج ۱۱ ، ص ۶۰۱ ، ش ۳۲۸۹۴ ، چنین روایت می کند : ذکر علی عبادت و الحمد لله رب العالمین

پاورقی

۱ - تهذیب التهذیب : ج ۷ ص ۱۱۷ و ج ۳ ، ص ۴۵۱ و ج ۱۲ ، ص ۴۸۳ .

۲ - سنن ابی داود ، ج ۱ ، ص ۱۳۷ .

۳ - تهذیب التهذیب ، ج ۱ ، ص ۱۰۵ .

صفحه ۲۲

پاورقی

۱ - النص والاجتهاد ، ص ۲۰۷ و ۲۰۸ .

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

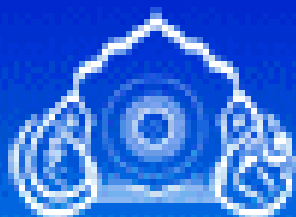
ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات قرآنی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

